

ادبی و هنری 	صفحه ۶ شماره ۳۲۰۶ سال بیست و هفتم	 حافظ شیرازی	مرحبا ای پیک مشتاقان بده پیغام دوست تا کنم جان از سر رغبت فدای نام دوست واله و شیداست دایم همچو بلبل در قفس طوطی طبعم ز عشق شکر و بادام دوست	تاریخ ۶ آبان ۱۴۰۰ پنجشنبه	
--	---	--	--	--	---

آشنایی با کارشناسان صفحه ادبی – هنری روزنامه طلوع

این شماره معرفی محمود شیربازو

محمود شیربازو؛ در سرزمین خونگرم خوزستان بدنیا آمد. فعالیت او در آغاز انقلاب با همکاری در اداره ارشاد اسلامی اهواز، بخش آموزش تئاتر شروع شد و در چند نمایش تئاتر و همچنین بازیگری در فیلم «شهر من خون من دین من» در دوران دفاع مقدس به کارگردانی یوسف مرتضی ایروانی ایفای نقش کرد. وی فارغ التحصیل رشته مدیریت بازرگانی و مترجمی زبان است و عمده عمر کاری او در زمینه بازرگانی خارجی و مدیریت اجرایی نمایشگاه‌های خارجی در کشورهای مختلف بوده و در زمینه شنا در آب‌های آزاد جهان درخشش داشته است. او پدر ۳ فرزند؛ دو دختر دوقلو و یک پسر است که هر



سه مهندس فنی هواپیما هستند؛ دو فرزندش مقیم و شهروند کانادا و مدیریت ارشد شرکت‌های هواپیمایی کانادا هستند.

شیربازو در زمینه ترجمه، نویسندگی، ادبیات، جهانگردی و بازرگانی فعالیت داشته و ترجمه ده‌ها مقاله بازرگانی؛ تألیف کتاب ملودی عشق؛ کتاب مشترک فاصله‌ها و کتاب در دست ترجمه اشعار در کارنامه خود دارد.

وی سالهاست علاوه بر مجله هفت هنر، یکی از کارشناسان فعال بخش صفحه ادبی و هنری روزنامه طلوع است. ذیلاً به بخشی از اشعار و ترجمه‌های ایشان می‌پردازیم.

بخشی از اشعار و ترجمه های محمود شیربازو

غم پریدنت مرا چرا ؟

رها نمی کنده.... بگو؟ بگو ؟

عشقت رها نمی کند مرا

هوای گریه میکنم چرا

در این این غروب بی طلوع چرا؟

عشقت رها نمی کند مرا

بگو ؟بگو ؟ بگو ؟

من ابری غمبارم، باران و طوفانم

رفتی ولی با عشقت تکرارم

با اشک سوزانم باز از تو می نالم

رفتی ولی دائم با عشقت تکرارم

رسیده ام به ناکجا،نه نای ماندم نه پای رفتنم

خزان کشانده ام به مرگ باغ

عشقت رها نمی کند مرا

به خاک و خون نشسته ام ؛ چه بسته ام چه بسته ام

هزار بار شکسته ام چه سوخته ام چه سوخته ام

شدم زهجر تو بی پناه

عشقت رها نمی کند مرا

یه شب مهتاب ، می آئی بخواب ، منو می بری ، اوج اون عشاق

اونجا که خدا ، یه دل و پیدا.....تک بال سپید ، ناز و پر نوید

می بره بالا، ما را پر نواز....که یه سیاره بتابه مث یه قطره آفتاب

به جای خورشید ، سر هرزلفش بشه درخشون

یه شب مهتاب ، می آیی بخواب ، منو می بری از توی زندون

مث فرشته ، با خودش هوا.....می بری اونجا ، که شب مهتاب

تا دم طلوع ؛ عاشقان شهر.....با شمع خندون، داد می زند

توی کوچه ها ... سر خونه ها ... لیلی و مجنون....بی کس و بی جون

نیستید یا مستید خوابید یا بیدار ،

هستیم و بیدار عاشقان شهر

میدونم یه شب ، می آئی بخواب

شونه به شونه ، پونه به پونه

می چینیم مهتاب



حافظ شیرازی

شاعر : حسین فیض الهلی (کاشف شوشتری)

مترجم : محمود شیربازو

در حباب زندگانی عاقبت

کاخ های آرزو گردد خراب

Finally In the bubble of life

The palaces of wishes will be ruined!!

(توضیح : این شعر در وصف عشق به حضرت امام

حسین (ع) سروده شده)

نشان صدق و محبت به خال هندو نیست

سری به نیزه به راهش نشانه می سازم

The sign of sincerity and kindness is not for the Hindu mole

I will hang my head on the spear for his love

بلبل به بطرف بستان از سوز دل غزل خوان

خار جفای گل را بر سینه می ستودی!

The compassionate singing nightingale in the flower garden

Admired the oppression of a flower's thorn in her heart!



شاعر : ثریا شجاعی اصل

مترجم : محمود شیربازو

برای نقاشی چشمانت

For painting your lovely eyes

یک نگاه کم است

My sight is not enough

هر چشمت تابلویی است

each of your eyes is a portrait

خدایی می کنم در آن

And I am the Goddess of them

کفرش هم بماند پای من

Let's I shall be blame for this blasphemy!!

ادبی و هنری



شاعر : آرام قربانی(شهنواز)

مترجم : محمود شیربازو

دنبال زنی می گردم
با پیراهن بلند و پاییزی اش

I'm looking for a woman
With her long autumn shirt

اندوه را از چهره بادبزداید
اشکهای آسمان را پاک کند...

Blow grief from the face
Wipe the tears of the sky...

پای برهنه روی برگهای خشک جنگل وحشت
به دل شب بیاندازد..

Barefoot on the dry leaves of the forest to scare
the night..

صدای خلخالش چهار فصل را
برقصاند

The voice of her foot ring for dancing the four
seasons

همهمه ب جان باغ بیندازد
مرغان غمگین را ب ضیافت
عشق دعوت کند

Let the garden buzz
The sad birds invite for the feast of love

مردانه جلوی طوفان بایستد
زمستان را از درگاه خانه ات براند

Stand in front of the storm strongly
Draw away the winter out of your house

بهار را در دامن ات سبز کند

Make spring green in your skirt

دنبال زنی می گردم
غمش پیاله ام را پرکند

I'm looking for a woman to fill my cup with
sorrow

مستی اش را سر بکشم..

Welcome her drunk

شهامت اش چهره ی خورشید
را زرد کند

Her courage changes the face of the sun

زلف ستاره گان را ب رنگ
شراب در بیاورد

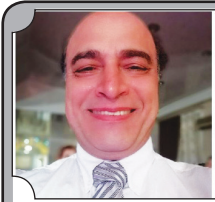
Painting the hair of the stars winey

می دانی طفره می روم
شرم می کنم

You well know I am dodging and shaming! !

نمی دانم چگونه بگویم
دنبال خودم می گردم.....

I don't know how to say
I am following myself !!



منتظر داستان و اشعار شما هستیم

لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به دفتر روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل ارسال نمایید. ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد است و مطالب ارسالی برگشت داده نمی‌شود.

toloudaily@gmail.com

کارشناس (این شماره) سرویس ادبی-هنری: **محمود شیربازو**



The influx of your thoughts

هجوم افکار تو

Have destroyed my army

لشکرم را از من گرفته

Now I am the only remaining one!

اینک من فتاده را

And waiting

For your last sword strike!

آخرین تیغ شمشیر توست !